

تحلیل بازنمایی هویت ملی ایرانیان در رمان‌های پس از انقلاب اسلامی با تکیه بر سند مؤلفه‌های هویت ملی

حمیدرضا قانونی^۱، پروین غلامحسینی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نحوه بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی ایران در منتخبی از رمان‌های فارسی پس از انقلاب اسلامی صورت گرفته است. جامعه پژوهش شامل پنج رمان شاخص این دوره از جمله: جزیره سرگردانی اثر سیمین دانشور، کلیدر اثر محمود دولت‌آبادی، سگ و زمستان بلند اثر شهرنوش پارسی‌پور، خانه ادریسی‌ها و دو منظره اثر غزاله علیزاده است که به سبب ظرفیت روایی و حضور برجسته مؤلفه‌های هویتی درون‌متنی انتخاب شده‌اند. این مطالعه با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی و بر اساس «سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان»، به تحلیل عناصر مرتبط با هویت فرهنگی ایرانی و اسلامی در این آثار می‌پردازد. این پژوهش با اتکا بر سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» و رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف، با تمرکز بر سازوکارهای زبانی و نشانه‌شناختی، چگونگی بازنمایی مؤلفه‌هایی چون استعمارستیزی، ملی‌گرایی و دفاع از سرزمین، و وحدت میان خرده‌فرهنگ‌ها را در متون روایی بررسی می‌کند. در ادامه، شواهد استخراج‌شده از رمان‌ها در سه سطح تحلیل گفتمان

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

hrghanooni@pnu.ac.ir

۲. پسادکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

parvin2012gh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ نوع مقاله: علمی- پژوهشی

فرکلاف- سطح توصیف، سطح تفسیر و سطح تبیین- تحلیل می‌شوند تا نحوه شکل‌گیری، انتقال و تثبیت گفتمان‌های هویت ملی در ساختار روایی آثار روشن گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر اثر با سازوکارهای روایت، الگوهای شخصیت‌پردازی و بازنمایی کنش‌های اجتماعی، نقش ادبیات را در تبیین، شکل‌دهی و تقابل گفتمان‌های هویتی متنوع در ایران معاصر آشکار می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: رمان‌های معاصر فارسی، بازنمایی هویت، مؤلفه‌های هویت ملی، هویت ایرانی-اسلامی، انسجام فرهنگی.

Analysis of the Representation of Iranian National Identity in Novels After the Islamic Revolution, Based on the Document of National Identity Components

Hamidreza Ghanooni ¹ / Parvin Gholamhosseini²

Abstract

This research aims to examine the representation of Iranian national identity components in a selection of Persian novels published after the Islamic Revolution. The study encompasses five prominent novels from this period: Jazirah-ye Sar-gardāni by Simin Daneshvar, Kolidar by Mahmoud Dowlatabadi, Sag va Zemestān-e Boland by Shahrnoush Parsipour, and Khāneh-ye Idrisi-hā and Do Manzareh by Ghazaleh Alizadeh. These novels were chosen for their narrative capacity and the prominent presence of intra-textual identity components. Employing qualitative content analysis based on the “Document of Iranian National Identity Components,” this study analyzes elements related to Iranian cultural and Islamic identity within these works. Relying on the “Document of Iranian National Identity Components” and Norman Fairclough’s critical discourse analysis approach, the research focuses on linguistic and semiotic mechanisms to investigate the representation of components such as anti-colonialism, nationalism, defense of the homeland, and unity among subcultures in the narrative texts. Subsequently, evidence extracted from the novels is analyzed across Fairclough’s three levels of discourse analysis –description, interpretation, and explanation –to illuminate the formation, transmission, and consolidation of national identity discourses within the narrative structures of the works. The findings reveal that each novel, through narrative mechanisms, character archetypes, and the

1 .Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran, (corresponding Author)

2 . Postdoctoral Researcher in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Lorestan, Iran.

۸۰ دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

representation of social actions, elucidates the role of literature in explaining, shaping, and contesting diverse identity discourses in contemporary Iran.

Keywords: Contemporary Persian Novels, Identity Representation, National Identity Components, Iranian-Islamic Identity, Cultural Cohesion.

مقدمه و بیان مسئله

هویت ملی یکی از اجزای هویت اجتماعی است و ترکیبی از تعلقات مادی و معنوی است که ریشه در تاریخ، فرهنگ، باورها و آداب و رسوم جامعه دارد (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). «این هویت بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افراد تأثیر گذاشته و تحلیل روابط اجتماعی و تعاملات بین‌المللی را ممکن می‌سازد» (اشراقی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۶؛ به نقل از اسدپور و احمدی‌آهنگ، ۱۳۹۵: ۳۳-۶۹). در ایران، هویت ملی تحت تأثیر عناصر ایرانی و اسلامی شکل گرفته و شامل مؤلفه‌هایی است که در سطوح فرهنگی-تاریخی، سیاسی و اقتصادی قابل بررسی هستند؛ ابعاد آن شامل اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱۳). مطالعات نشان می‌دهند که هویت ملی می‌تواند نقش مهمی در مواجهه با چالش‌های هویتی در دوران جهانی‌شدن ایفا کند (اکبری، ۱۳۹۹: ۴۵).

رمان‌های پس از انقلاب اسلامی با تمرکز بر مؤلفه‌هایی که بیشترین بار معنایی و تفسیری را دارند، به بازنمایی هویت ملی و تحلیل فهم معاصر آن می‌پردازند. این رویکرد تحلیلی به پژوهشگر امکان می‌دهد بر مؤلفه‌های کلیدی متمرکز شود و از پرداختن به مؤلفه‌هایی که حضور محدود یا کم‌رنگ دارند، پرهیز کند. به این ترتیب، ادبیات معاصر فارسی می‌تواند به‌عنوان ابزار تحلیل هویت ملی، مطالعه تعامل سنت و مدرنیته، و ارزیابی بازتاب نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش با بررسی مؤلفه‌های کلیدی هویت ملی ایرانی در رمان‌های پس از انقلاب اسلامی، به تحلیل نحوه بازنمایی و بازتفسیر این هویت در بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران می‌پردازد. با وجود اهمیت ابعاد اجتماعی و سیاسی هویت ملی، بازنمایی این هویت در ادبیات، به‌ویژه رمان‌های معاصر فارسی، امکان تحلیل فرآیندهای فرهنگی و تاریخی مرتبط با هویت ملی را فراهم می‌آورد. رمان به‌عنوان ژانری روایی، با بهره‌گیری از ساختارهای داستانی و شخصیت‌پردازی، قادر است تعامل میان سنت و مدرنیته، تعارض‌ها و تحولات اجتماعی و فرهنگی را به تصویر بکشد و بازتاب نگرش‌های هویتی جامعه معاصر را نشان دهد. از این رو پژوهش حاضر با تمرکز بر رمان‌های پس از انقلاب اسلامی، به بررسی نحوه

بازنمایی و بازتفسیر مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد و تلاش می‌کند نقش ادبیات در تحلیل و فهم این هویت را مشخص سازد.

۱-۱. اهداف پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تحلیل بازنمایی هویت ملی ایرانیان در رمان‌های پس از انقلاب اسلامی تدوین شده است و اهداف آن عبارت‌اند از:

۱. شناسایی و طبقه‌بندی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان؛ ۲. تحلیل بازنمایی این مؤلفه‌ها در رمان‌ها از طریق بررسی محتوا، مضامین و ساختار روایی؛ ۳. بررسی نقش ابزارهای روایی و ساختار داستانی در بازتاب تعامل میان سنت و مدرنیته و چالش‌های اجتماعی در آثار ادبی؛ ۴. ارائه چارچوب علمی برای مطالعه بازنمایی و بازتفسیر مؤلفه‌های هویت ملی در رمان‌های پس از انقلاب.

۱-۲. فرضیات پژوهش

۱. مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان در رمان‌های پس از انقلاب اسلامی به شکل قابل‌شناسایی و بازنمایی شده‌اند.
۲. نوع و شدت بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی در رمان‌ها با استفاده از عناصر روایی شامل مضامین، ساختار روایت و شخصیت‌پردازی قابل تحلیل و ارزیابی است.
۳. بین رمان‌های مختلف تفاوت‌هایی در نحوه بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی وجود دارد که منعکس‌کننده تنوع دیدگاه‌ها و تجربه‌های فرهنگی نویسندگان است.

۱-۳. سؤالات پژوهش

۱. مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان در «سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» کدام‌اند و چگونه می‌توان آن‌ها را به‌عنوان کدهای تحلیلی برای بررسی رمان‌ها به کار برد؟
۲. کدامیک از این مؤلفه‌ها در رمان‌های منتخب پس از انقلاب بازتاب و برجستگی قابل‌مشاهده‌ای یافته‌اند؟

۳. میزان و قالب بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی در رمان‌های منتخب چگونه است و از طریق مضامین، ساختار روایی و شخصیت‌پردازی چگونه تجلی یافته است؟

۴-۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی و در چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، به بررسی نحوه بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان در رمان‌های پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. متن رمان‌ها در سطوح سه‌گانه فرکلاف- متن (واژگان، سبک و روایت)، تفسیر (چگونگی تولید و بازتولید معانی) و تبیین مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا سازوکارهای شکل‌گیری و گردش گفتمان‌های هویتی به‌طور نظام‌مند شناسایی شود. رمان‌ها براساس اهمیت ادبی، ظرفیت گفتمانی، پیشینه مطالعاتی و تنوع فرهنگی انتخاب شده‌اند و محدود بودن نمونه‌ها به‌منظور امکان تحلیل عمیق و تکرارپذیری پژوهش صورت گرفته است. مؤلفه‌های هویت ملی نیز از سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» استخراج و به‌صورت کدهای تحلیلی بررسی شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

از منظر بین‌المللی، مطالعه Alam Saleh (۲۰۱۳)، با عنوان *Ethnic Identity and the State in Iran* به بررسی سیاست هویت قومی و ملی در ایران می‌پردازد و نشان می‌دهد که هویت ملی با تنش و رقابت با هویت‌های قومی همراه است. پژوهش Olha Blashkiv (۲۰۲۱) درباره «سؤال هویت ملی و بازتاب آن در ادبیات هنری» نشان می‌دهد که ادبیات می‌تواند بازنمایی‌های مهمی از هویت ملی را ارائه دهد. هر دو مطالعه هویت ملی را به‌عنوان ساختاری پیچیده، چندوجهی و متأثر از زمینه‌های سیاسی و فرهنگی تحلیل می‌کنند.

پژوهش‌های مرتبط با عنوان «هویت ملی» در ایران طی دهه‌های اخیر تنوع چشم‌گیری یافته‌اند، اما تمرکز غالب بر ابعاد جامعه‌شناختی، سیاسی یا تاریخی بوده و بخش ادبی آن کمتر تحلیل شده است. در بخش نظری، علی مظفری در کتاب «شکل‌دهی به هویت ملی در ایران» نگاهی دقیق و ژرف به چگونگی پیدایش هویت ملی در ایران از خلال تعامل

روایت‌های تاریخی و بازنمایی‌های مکانی ارائه می‌دهد. مجید عباس‌زاده مرزبالی نیز در کتاب «هویت ملی» به تحلیل ارکان و مؤلفه‌های این هویت در بافت تاریخی ایران پرداخته است. در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی، پژوهش‌هایی مانند مقاله مجید عباس‌زاده مرزبالی و همکاران (۱۴۰۰)، «اکتشافی در مطالعات سیاسی- اجتماعی» بررسی کرده‌اند که چگونه سیاست‌گذاری اجتماعی می‌تواند در تقویت هویت ملی نقش ایفا کند. نادرنژاد و ملائی توانی (۱۴۰۰) با تحلیل محتوایی دیوان ابوالقاسم لاهوتی، مؤلفه‌های چهارگانه هویت ملی ایرانی- شامل ارزش‌های باستانی، فرهنگی پس از اسلام، دینی و مدرن- را بررسی کرده و بازنمایی هویت ملی و نقش لاهوتی در تاریخ معاصر ایران را تحلیل کرده‌اند.

با وجود پژوهش‌های پیشین، بررسی نظام‌مند بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی در رمان‌های معاصر پس از انقلاب اسلامی صورت نگرفته است، لذا این خلأ پژوهشی فرصت مناسبی برای مطالعه میان‌رشته‌ای نقش ادبیات در شکل‌دهی و بازتاب هویت ملی ایرانی فراهم می‌کند.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. ابعاد و عناصر سازنده هویت ملی

هویت ملی به‌عنوان مفهومی چندبعدی، مجموعه‌ای از عناصر و مؤلفه‌ها را در برمی‌گیرد که در تعامل با فرهنگ، تاریخ و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرند. از دیدگاه نظریه‌های کلاسیک هویت، هویت ملی شامل ترکیبی از عناصر شناختی، عاطفی و هنجاری است (Smith, 1991; Hall, 1990). این عناصر در سطح شناختی به باورهای مشترک و تاریخ مشترک، در سطح عاطفی به تعلق‌پذیری و پیوند روانی با جامعه و در سطح هنجاری به ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی قابل‌مشاهده هستند. در مطالعات جامعه‌شناختی و سیاسی، مؤلفه‌های هویت ملی معمولاً شامل ارزش‌های ملی، دینی، اجتماعی و انسانی طبقه‌بندی می‌شوند (Zohrei, 1381: 201). ارزش‌های ملی: شامل سرزمین، زبان، تاریخ و نمادهای ملی، سنت‌ها و میراث فرهنگی. ارزش‌های دینی: شامل باورها، مناسک، آموزه‌های اخلاقی و فرهنگی مرتبط با دین غالب جامعه و ارزش‌های اجتماعی: اصول و هنجارهای رفتاری

حاکم در جامعه که انسجام اجتماعی را تقویت کرده و ارزش‌های انسانی قواعد و هنجارهایی هستند که فراتر از محدودیت‌های جغرافیایی و فرهنگی، برای تمامی انسان‌ها اهمیت دارند.

ابعاد هویت ملی نیز با توجه به نظریه‌های بین‌المللی هویت (Anderson, 1983; Gellner, 1983) و مطالعات داخلی شامل: اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی- ادبی است. «بعد اجتماعی نشان‌دهنده تعلق فرد به جامعه و پیوند بین نسل‌ها، بعد تاریخی بازتاب‌دهنده آگاهی از گذشته و حافظه جمعی، بعد سیاسی مرتبط با تعلق به نظام سیاسی و مشارکت در عرصه‌های اجتماعی، بعد دینی شامل مناسک و باورهای مذهبی و بعد فرهنگی و زبانی- ادبی منعکس‌کننده خلاقیت، زبان و میراث فرهنگی است» (ورجانوند، ۱۳۷۸: ۶۶-۶۷؛ همتی، ۱۳۷۸: ۱۰۹-۱۲۳). در چارچوب این پژوهش، برای تحلیل رمان‌های معاصر، برجسته‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی موجود در رمان‌ها از سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» استخراج و به شکل کدهای تحلیلی نظام‌مند با توجه به رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. در این الگو به کمک ابزار زبان‌شناختی می‌توان لایه‌های زیرین معنایی این آثار را با توجه به عواملی چون بافت تاریخی و فرایندهای اجتماعی، سیاسی آشکار کرد.

در چارچوب مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، تحلیل متون ادبی در سه سطح انجام می‌شود: در سطح توصیف: واژگان و شگردهای بلاغی به‌منظور بازنمایی ارزش‌ها و نگرش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در سطح گزاره‌ای یا تفسیر، ترکیب واژگان و جملات برای شکل‌دهی گزاره‌ها و پیام‌ها، روابط علت و معلولی، زمان و مکان و نحوه استنتاج معنا توسط مخاطب تحلیل می‌شود؛ و در سطح تبیین، ساختار کلان متن، انسجام و سازمان‌دهی اطلاعات، جریان روایت، الگوهای گفتمانی و ارتباط متن با دانش و موقعیت اجتماعی و بازنمایی روابط قدرت و ایدئولوژی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). لازم به ذکر است که تحلیل رمان‌ها بر اساس روش کدگذاری و قابل‌سنجش انجام می‌شود تا از جهت‌گیری ایدئولوژیک پرهیز شده و امکان تحلیل نظام‌مند، مقایسه و بازنمایی دقیق هویت ملی فراهم گردد.

۴. بحث و تحلیل داده‌ها

تحلیل هویت ملی در رمان‌های معاصر ایرانی، ابزاری تحلیلی و تبیینی برای فهم تحولات و چالش‌های اجتماعی-فرهنگی است؛ چرا که این آثار ارزش‌ها، باورها و معانی بنیادین هویت ملی را بازنمایی می‌کنند. رمان‌ها ضمن انعکاس تجربه‌های فردی و جمعی، نقش انتقال و تحکیم هویت ملی میان نسل‌ها را ایفا می‌کنند. این آثار بستری برای نقد شرایط اجتماعی و سیاسی و بررسی تعامل فرد و جامعه، و نیز تأثیر فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های خارجی بر هویت ملی فراهم می‌آورند. پرداختن به تنش‌ها و تعاملات میان سنت و مدرنیته و چالش‌های ناشی از نفوذ فرهنگ‌های خارجی، به غنای مفهومی رمان‌ها می‌افزاید و نشان‌دهنده نقش ادبیات در بازتولید، بازتعریف و تحکیم هویت ملی در بستر تغییرات اجتماعی و فرهنگی است.

۴-۱. تحلیل گفتمان ضداستعماری ایران با رویکرد فرکلان

از منظر تاریخی، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که ساختارهای اقتصادی و سیاسی ایران در نیمه نخست قرن چهاردهم تحت تأثیر سلسله‌ای از تحولات بین‌المللی دستخوش تغییرات بنیادین شد. مطالعات گاسیوروفسکی (Gasiowski, 1991) و آبراهامیان (Abrahamian, 1982, 2013) به‌طور نظام‌مند نشان داده‌اند که مداخله مستقیم ایالات متحده و بریتانیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نه تنها به بازآرایی قدرت سیاسی منجر شد، بلکه الگوهای وابستگی ساختاری در اقتصاد و سیاست ایران را تثبیت کرد. تحلیل‌های کینزر (Kinzer, 2003) و کاتوزیان (Katouzian, 2003) نیز این مداخلات را در چارچوب اقتصاد سیاسی توسعه بررسی کرده و نشان داده‌اند که پیامدهای آن در قالب توسعه نامتوازن، تمرکز منابع و فرصت‌ها در شهرهای بزرگ و تضعیف بنیان‌های تولیدی در نواحی روستایی آشکار شده است. در حوزه فرهنگی، پژوهش‌های ازغندی (۱۳۹۰) و طیرانی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که این تحولات ساختاری زمینه بازتعریف مفاهیمی چون استقلال، هویت سیاسی و حساسیت نسبت به روابط قدرت جهانی را فراهم کرده‌اند. در حوزه ادبیات نیز، تحلیل‌های ذاکر حسین (۱۳۷۹: ۶۶-۷۰) شاهد آن است که ادبیات معاصر ایران

با بازنمایی تضادهای طبقاتی، بحران‌های هویتی و تنش میان «خود» و «دیگری»، صورتی از رئالیسم اجتماعی را برمی‌سازد که در آن، مسائل کلان ساختاری در سطح تجربه زیسته شخصیت‌ها بازتاب می‌یابد. در همین راستا، ساداتی‌نژاد (۱۴۰۰: ۶۷) بر نقش سیاست‌های توسعه ناموزون پهلوی دوم در تعمیق شکاف‌های شهری- روستایی و بی‌ثباتی معیشتی تأکید کرده است.

اهمیت این زمینه‌ها در تحلیل گفتمان زمانی نمایان می‌شود که متن به واسطه عناصر زبانی و روایی خود، امکان پیوند با این ساختارهای کلان تاریخی را فراهم سازد. در جزیره سرگردانی، در مثال زیر چنین پیوندی در گفتار مراد به‌شکلی آشکار وجود دارد:

«اینها مردمی هستند که از شهر هجوم آورده‌اند. مراد روی میز کوفت و گفت: برای این به شهر هجوم می‌آورند که در ده کاری برایشان نیست. گندم را آمریکای عزیز می‌رساند. آب دهانش را فروداد و افزود: و در شهر چه می‌کنند؟ بلیت بخت‌آزمایی می‌فروشند. آب حوضی... پادوی... ماشین‌پایی. حمالی» (دانشور، ۱۳۹۶: ۱۷۸).

با توجه به چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف، این مثال را می‌توان در سه سطح موردبررسی قرار داد:

۱. سطح توصیف: در این سطح، بدون تکیه بر هیچ مؤلفه بیرونی یا ازپیش‌فرض گرفته‌شده، تحلیل محدود به مشخصه‌های زبانی و انتخاب‌های واژگانی متن است؛ در این مثال از جزیره سرگردانی، به‌کارگیری واژه «هجوم» برای توصیف حرکت جمعی، معنایی غیرخشتی و همراه با اضطرار، بی‌سامانی و فقدان اختیار ایجاد می‌کند. این واژه‌گزینی، مهاجرت را نه کنشی انتخابی، بلکه حرکتی ناشی از فشار بازنمایی می‌کند. عبارت «گندم را آمریکای عزیز می‌رساند» با ساختی طعنه‌آمیز همراه است و از طریق این انتخاب واژگانی، رابطه‌ای نابرابر در حوزه معیشت به‌صورت ضمنی ایجاد می‌شود. همچنین، چینش متوالی مشاغل («بلیت بخت‌آزمایی فروختن»، «آب‌حوضی»، «پادوی»، «ماشین‌پایی»، «حمالی») ساختی انباشتی ایجاد می‌کند که به تدریج سطحی از فرودستی و بی‌ثباتی شغلی را برجسته می‌کند.

۲. سطح تفسیر: در این سطح، نشانه‌های زبانی کشف‌شده در مرحله توصیف با فرآیندهای معنایی و منابع گفتمانی موجود در متن پیوند می‌خورند. زنجیره‌ای که در گفتار مراد ساخته

می‌شود- نبود کار در روستا → وابستگی معیشتی → مهاجرت ناگزیر → اشتغال در مشاغل فرودست- حاصل ارتباط میان واحدهای زبانی و موقعیت گفتمانی روایت است. مراد به‌عنوان کنشگر گفتمانی، معنای موقعیت را برای دیگران و برای مخاطب تصویرسازی می‌کند. او از سطح روایت ساده فراتر رفته و با ارائه چارچوبی تفسیرکننده، روابط علت‌ومعلولی را آشکار می‌سازد.

۳. سطح تبیین: در این سطح می‌توان معنای برآمده از دو سطح قبلی را با ساختارهای کلان‌تر اجتماعی، تاریخی و اقتصادی پیوند داد؛ بر اساس نشانه‌هایی که متن در دو سطح پیشین ایجاد می‌کند، این مثال را می‌توان در چارچوب گفتمان‌های کلان‌تر وابستگی اقتصادی، تمرکز امکانات در شهر و فروپاشی استقلال معیشتی روستا به شمار آورد. ارجاع طعنه‌آمیز به «آمریکای عزیز» بازنمایی‌ای از روابط نامتوازن قدرت در اقتصاد است و زنجیره شغلی فرودست از بازتولید نابرابری شهری حکایت دارد. مراد در این سطح نقش حامل گفتمان انتقادی را پیدا می‌کند؛ زیرا گفتار او فرآیند طبیعی‌سازی شرایط موجود را مختل کرده و امکان شکل‌گیری خوانشی مسئله‌محور را فراهم می‌آورد. این سطح از تحلیل، پیوند میان گفتمان ادبی و ساختارهای اجتماعی را روشن ساخته و نگاه انتقادی و افشاگرانه نویسنده را آشکار می‌کند و تمرکز را از توصیف صرف عناصر به تحلیل کارکرد اجتماعی و سیاسی رمان‌ها در چارچوب گفتمان انتقادی منتقل می‌سازد.

- «احمد گنجور گفت: آمریکایی‌ها آدم‌های شادی هستند، هیتی گفت: از وقتی نصف دنیا را بلعیده‌ایم احساس گناه می‌کنیم. هستی گفت: همه‌شان هم شاد نیستند، سیاه‌ها، باقی‌مانده سرخ‌پوست‌ها و سربازهایی که از ویتنام... پگی حرف هستی را برید و گفت: اسم ویتنام را نیاور. نمی‌خواهم بشنوم» (دانشور، ۱۳۹۶: ۱۹۹).

۱. سطح توصیف: در این سطح تنها به انتخاب‌های زبانی و ساختار گفت‌وگو در متن توجه می‌شود. در گفت‌وگوی میان شخصیت‌ها، ترکیب واژگانی متفاوتی برای بازنمایی «آمریکایی‌ها» به‌کار رفته است: «آدم‌های شاد»، «احساس گناه»، «سیاه‌ها»، «باقی‌مانده سرخ‌پوست‌ها»، و «سربازهای ویتنام». همچنین فعل‌هایی مانند «بلعیده‌ایم» بار معنایی سنگین

و خشونت‌بار دارند. قطع کردن سخن هستی با عبارت «اسم ویتنام را نیاور» نشان‌دهنده کنترل گفتار و کاستن از ظهور برخی موضوعات است. این عناصر زبانی نشان می‌دهند که گفت‌وگو در فضایی تنش‌آلود و همراه با تفاوت دیدگاه شکل می‌گیرد.

۲. سطح تفسیر: در این سطح - بدون ورود پیش‌فرض‌های نظری بیرونی - معنا از رابطه بین نشانه‌های زبانی و موقعیت درون‌متنی استخراج می‌شود. تضاد میان دو برساخت زبانی - «آدم‌های شاد» در برابر «احساس گناه» و «باقی‌مانده سرخ‌پوستان و سربازهای ویتنام» - نشانگر گفتمان چندصدایی در صحنه گفت‌وگو است. شخصیت‌ها از منظر تجربه و آگاهی خود معنای متفاوتی از «آمریکایی بودن» ارائه می‌کنند. دخالت پگی و قطع ناگهانی گفتار نشان می‌دهد که برخی موضوعات (مانند ویتنام) در فضای ارتباطی به‌عنوان گفتار ممنوع یا پرتنش تلقی می‌شوند. بنابراین، معنا نه به‌صورت ثابت، بلکه در کشمکش بین صداهای مختلف شکل می‌گیرد. این کشمکش گفتمانی وضعیت ناپایدار و چندلایه‌ای را در درون روایت بازتاب می‌دهد.

۳. سطح تبیین: در این سطح، تحلیل با ساختارهای اجتماعی - گفتمانی مرتبط می‌شود، اما تنها محدود به آن بخش‌هایی است که از دو سطح قبلی تحلیل (توصیف و تفسیر گفتمان) قابل استنتاج باشد و مبتنی بر مؤلفه‌های تحمیلی نیست. وجود دو قطب معنایی «شاد بودن» و «احساس گناه» و هم‌زمان حضور صداهای سرکوب‌شده گروه‌های حاشیه‌ای (سیاه‌پوستان، سرخ‌پوستان، سربازان) تصویرگر گفتمان تناقض‌آلود جامعه آمریکایی است. این تضاد، همراه با نمونه‌هایی چون قطع سخن هستی توسط پگی، نشان‌دهنده فرآیندهای سرکوب و حذف واقعیت‌های دردناک توسط گفتمان مسلط است و ماهیت انتقادی تحلیل را تأیید می‌کند. چنین چارچوبی، امکان بررسی هویت ملی و اجتماعی و نقش تجربه‌های حاشیه‌ای در فهم تضادها و ناکامی‌های اجتماعی - سیاسی را فراهم می‌آورد.

- «شورای محل اخبار را بررسی و تفسیر می‌کردند و بعضی‌هایشان سر تکان می‌دادند که همه‌اش زیر سر انگلیس است» (پارسی‌پور، ۱۳۶۹: ۲۵۹).

در گزاره موردنظر، تحلیل گفتمانی را می‌توان بر اساس سه سطح مدل فرکلاف تحلیل کرد. در سطح توصیف، واژگان و ساختار جمله بازنمایی روابط قدرت و جهت‌گیری

ایدئولوژیک را آشکار می‌سازند؛ «شورای محل» نمادی از نهاد اجتماعی و کنش جمعی است که اخبار را بررسی و تفسیر می‌کند و فعالانه در فرآیند معناگذاری مشارکت دارد. گزاره «همه‌اش زیر سر انگلیس است» با استفاده از استعاره «زیر سر»، سلطه و نفوذ پنهان قدرت خارجی را بازنمایی می‌کند و حرکت بدنی «سر تکان می‌دادند» همبستگی و پذیرش جمعی گفتمان را تقویت می‌کند.

در سطح تفسیر، روابط علت و معلولی و پیام‌های ضمنی متن مشخص می‌شود: اخبار → بررسی → تفسیر → نتیجه‌گیری، که نشان‌دهنده تلاش جامعه محلی برای فهم و بازتولید معنا است. پیام ضمنی متن به صورت [رخدادها] → (علت: انگلیس) → [تفسیر جمعی] قابل‌نمایش است و نشان می‌دهد که جامعه، سلطه خارجی را شناسایی کرده و معنای آن را تحلیل می‌کند.

در سطح تبیین، متن در چارچوب گفتمان انتقادی و روابط قدرت قابل‌فهم است. ساختار کلان متن شامل اخبار و تحلیل‌ها به‌عنوان بستر بازنمایی سلطه و مقاومت است و شورای محل به‌عنوان نهاد اجتماعی در شکل‌دهی گفتمان محلی و واکنش به سلطه خارجی نقش دارد. روابط قدرت به شکل زیر قابل‌کدگذاری و نمایش است:

قدرت خارجی (انگلیس) → نفوذ پنهان → کنترل رخدادها → تفسیر جمعی. ایدئولوژی متن نشان می‌دهد که نقد سلطه خارجی به صورت ضمنی و از طریق کنش جمعی محلی انجام می‌شود و فرآیند بررسی و تفسیر اخبار ← فعال‌سازی گفتمان مقاومت ← بازتولید هویت جمعی، زمینه شکل‌گیری خودآگاهی اجتماعی و تاریخی را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، متن بازتولیدکننده روابط قدرت و نقدکننده آن است و با زبان، استعاره و کنش جمعی، به تقویت گفتمان انتقادی و آگاهی تاریخی مخاطب کمک می‌کند.

یکی از محورهای اصلی در رمان «سگ و زمستان بلند»، بازتاب حضور و دخالت نیروهای بیگانه در کشور است. شخصیت‌هایی مانند «عموی بزرگ» نماینده گروه‌هایی هستند که موافق این حضور بوده و با اتخاذ راهبردهای گوناگون، تلاش می‌کنند باورها و نگرش‌های خود را توجیه کرده و دیگران را به همسو شدن و همراهی با خود فرامی‌خوانند. این

موقعیت نشان‌دهنده پیچیدگی تعاملات سیاست‌های داخلی و خارجی و تأثیر آنها بر هویت جمعی و ساختارهای اجتماعی در متن رمان است:

- انگلیسی‌ها بزرگ‌ترین پدرسوخته‌های تاریخ بودند. پدر هندی‌ها را درآورده بودند و هنوز هم داشتند درمی‌آوردند. پدر ما را هم درآورده بودند. همین‌طور پدر چینی‌ها و پدر آفریقایی‌ها را، البته آفریقایی‌ها یک‌کم حقشان بود، چون یک‌کم وحشی بودند، نه یک‌کم بلکه خیلی وحشی بودند و بالاخره یکی باید متمدنشان می‌کرد.

عمویم با عصبانیت گفت، «چی می‌گویید آقا جان من. جنگ جنگ است دیگر. وسط دعوا که حلوا خیر نمی‌کنند خوب آدم می‌کشند دیگر، یعنی چه؟» عمویم از عصبانیت به مرحله جنون رسیده بود. گفت، «خوب کشت که کشت، چرا نکشد، عجیب است آقا، مگر شما فکر می‌کنید انگلیسی‌ها نمی‌کشند؟ جنابعالی کتاب دلیران تنگستان را خواندید؟ نخواندید که، بفرمایید بخوانید، ببینید چه فجایعی می‌کردند آقا، انگشت تمام صنعتگران هندی رو می‌بریدند که نتوانند کار کنند، یعنی چه؟»

«آقا جان پس چی می‌خواهید بفرمایید؟»

عموی بزرگم گفت، «نخیر آقا. تا آمریکایی‌ها بیایند در سیاست‌داری و جهان‌داری ریش و سبیل درآورند هفت نسل از مردم دنیا گذشته است. یک قدرت حقیقی در جهان وجود دارد و آن انگلستان است، اما البته آمریکایی‌ها جنسشان خوب است، علاوه بر آن ثروتمندند، گدا نیستند مثل این بالشویک‌ها که خر را با آخور می‌خورند و مرده را با گور.

دائی صبری گفت، «خوب بالشویک‌ها هم یک چیزی شبیه آلمانی‌ها هستند دیگر، فکر می‌کنید آن‌ها دلشان برای ما می‌سوزد؟ بی‌شرف‌ها اگر دستشان برسد همه ما را درسته می‌بلعند. عین انگلیس‌ها که آن‌ها هم یک چیزی هستند شبیه آمریکایی‌ها...»

«راجع به آمریکایی‌ها چی می‌فرمایید؟»

«آمریکایی‌ها؟ خب آن‌ها پولدارترند، برای همین آقاترند، نظرشان بلندتر است. بالاخره هر چی باشد نظرشان از روس‌ها بلندتر است. من می‌گویم آقا حالا که ما قرار است... بخوریم

چرا... پلوخور را نخوریم؟»

«خوب اصلاً چرا ما گه بخوریم؟»

عموی کوچک گفت، «خوب مگر می‌شود، مگر اصلاً همچنین چیزی ممکن است قربان، صد و پنجاه سال است ما بی‌اجازه آن‌ها نفس نکشیدیم، آن وقت حالا چطور می‌توانیم یک‌دفعه... عجیب است!»

پدرم گفت، «نه آقا، منظور حسین جان این است که دقیق‌تر باشیم.» (پارسی‌پور، ۱۳۶۹: ۵۳-۴۷).

در این اپیزود، شخصیت‌ها با عصبانیت و شدت بیان، خشونت و سلطه قدرت‌های خارجی را نقد می‌کنند و نگرش ضداستعماری خود را نشان می‌دهند. واژگانی مانند «هفت نسل از مردم دنیا گذشته است» و «انگشت تمام صنعتگران هندی رو می‌بریدند» بازنمایی آگاهی تاریخی و تجربه استعمار را از منظر شخصیت‌ها فراهم می‌کند. تکنیک‌های ادبی مانند دیالوگ طولانی و پراکنده، جملات کوتاه و بریده و تکرار پرسش و پاسخ‌ها، عصبانیت و هیجان شخصیت‌ها را منتقل کرده و نقد استعمار را از منظر تجربه روزمره و ملموس شخصیت‌ها بازتولید می‌کند. به این ترتیب، تحلیل علمی این صحنه نشان می‌دهد که متن بازنمایی استعمارستیزی است و هم‌زمان شخصیت‌پردازی و تکنیک‌های روایی آن در تقویت نقد سلطه خارجی نقش دارد. شخصیت‌ها، با عصبانیت و شدت بیان، خشونت و سلطه قدرت‌های خارجی و همچنین محدودیت‌های اجتماعی و جنسیتی را نقد می‌کنند. واژگان و نحوه بیان شخصیت‌ها (مثلاً اشاره به ظلم، سرکوب یا تبعیض اجتماعی) بازنمایی جهان‌بینی فمینیستی و ضد ساختار مردسالار رمان را تقویت می‌کند.

این بخش از رمان، گفت‌وگویی چندلایه میان اعضای خانواده را به تصویر می‌کشد که بازتابی است از تنش‌ها و تضادهای هویتی و تاریخی در جامعه‌ای که تجربه استعمار و نفوذ قدرت‌های خارجی را داشته است. بحث میان عموی بزرگ، دایی صبری و حسین، هر یک نمایانگر بینشی متفاوت با تاریخ و سیاست است؛ به گونه‌ای که عموی بزرگ از دید ناسیونالیستی و بازتعریف هویت از طریق بزرگ‌نمایی چهره‌های تاریخی استفاده می‌کند، درحالی‌که دایی صبری رویکرد نقادانه و تحلیلی دارد و حسین با حساسیت و هوشمندی تلاش می‌کند تاریخ و هویت را بازشناسی کند. این تفاوت رویکردها در شخصیت‌ها و دیالوگ‌ها، رمان را به بستری برای تحلیل استعمارستیزی و نقد نفوذ فرهنگی و تاریخی

قدرت‌های سلطه‌گر تبدیل می‌کند. نویسنده با خلق گفت‌وگوهای چندصدایی، نه تنها کشمکش‌های روانی و اجتماعی شخصیت‌ها را نشان می‌دهد، بلکه بحران هویتی جامعه در مواجهه با تاریخ و استعمار را نیز به تصویر می‌کشد. در این بخش، استعمار و نفوذ فرهنگی به صورت غیرمستقیم و از طریق واکنش‌ها و نگرش‌های متفاوت شخصیت‌ها بازنمایی شده و نقد اجتماعی و فرهنگی در بستر روایت ارائه می‌شود.

- خانم بدرالسادات برای زن‌ها تعریف می‌کرد که باید این‌طور باشد. موبورها از نسل روس‌ها هستند، «ولی خانم مرحوم پدرم می‌گفت وقتی روس‌ها تبریز را گرفتند مردهای تبریزی زن‌هایشان را بزک می‌کردند و زن‌ها می‌آمدند جلوخانه و هر روسی که رد می‌شد می‌خندیدند و می‌گفت- هی سالدات- و به همین هوا یکی یکی سربازان روسی را می‌کشیدند توی خانه و بعد همان‌جا پدر، شوهر و برادرزن‌ها می‌ریختند سر سربازها و آنها را تکه‌پاره می‌کردند. آن وقت یک وقت جنرال روسی می‌بیند ای داد بی‌داد، نصف سربازهایش گم شدند و دستور می‌دهد از تبریز برگردند روسیه» (پارسی‌پور، ۱۳۶۹: ۲۴۱).

مفهوم استعمارستیزی به کرات در رمان سگ و زمستان بلند به عنوان یکی از محورهای معنایی بنیادین حضور دارد. این اثر با نمایش فضای سرکوب، ناامنی ساختاری و دخالت نیروهای بیگانه در سرنوشت مردم، نوعی آگاهی انتقادی نسبت به سلطه سیاسی و نفوذ قدرت‌های خارجی ایجاد می‌کند. در لایه‌های زیرین روایت، مقاومت خاموش و تدریجی شخصیت‌ها در برابر ساختارهای تحمیلی، بازتابی از روحیه مقاومت ملی است که در ادبیات معاصر ایران با استعمارستیزی پیوند خورده است.

۱. **سطح توصیف:** این متن با استفاده از زبان محاوره‌ای و روایت داستانی، جزئیات خشونت و مقاومت را به شکلی مستقیم بیان می‌کند. اصطلاحات («تکه‌پاره می‌کردند»، «ریختند سر سربازها») شدت کنش‌ها و هیجان شخصیت‌ها را منتقل می‌کند. ساخت جملات متوالی و طولانی با استفاده از افعال پیوسته («می‌آمدند»، «می‌خندیدند»، «می‌گفتند») باعث ایجاد جریان پویا و روایی شده است. روایت به صورت چندصدایی - روایت اصلی از زبان خانم بدرالسادات و بازگویی‌های پدر مرحوم او - ارائه می‌شود. این ترکیب

چندصدایی، امکان بازنمایی هم‌زمان دیدگاه‌های مختلف و تجربه‌های تاریخی را فراهم می‌آورد.

۲. سطح تفسیر: در این متن از طریق پیوند دادن روایت تاریخی با متون ادبی، نوعی «هم‌نشینی گفتمانی» ایجاد شده که طی آن مقاومت زنان تبریز با گفتمان معاصر استعمارستیزی و هویت‌ساز تلفیق می‌شود. استناد به گفتمان رسمی، تاریخ گذشته را مشروعیت بخشیده و روایت امروز را در امتداد سنت مقاومت ضداستعماری قرار می‌دهد. فرایند «بازسازی متن» سبب شده است که مبارزه زنان در برابر اشغال روسیه در قالب روایتی هویت‌محور و مطابق نیازهای گفتمانی امروز بازتفسیر شود؛ بنابراین متن نه صرفاً گزارش تاریخی، بلکه محصول گفتمانی است که معنا و اقتدار خود را از تعامل تاریخ و گفتمان سیاسی معاصر می‌گیرد.

۳. سطح تبیین: در سطح اجتماعی- فرهنگی، این متن در بستر تاریخ طولانی مقاومت ایرانیان در برابر سلطه بیگانه قابل‌فهم است؛ بستری که در آن استعمارستیزی به بخشی پایدار از حافظه جمعی و هویت ملی تبدیل شده است. بازنمایی زنان به‌عنوان کنشگران مبارزه با اشغال روسیه، پاسخی به حذف تاریخی آنان از روایت‌های رسمی و همسو با گفتمان پس از انقلاب است که استقلال‌خواهی و مقاومت را عناصر بنیادین هویت ایرانی می‌داند. این روایت با برجسته‌سازی نقش زنان، به بازسازی حافظه جمعی کمک کرده و آنان را به‌عنوان حاملان «سرمایه نمادین مقاومت» در فرآیند تقویت هویت ملی و ارزش‌های ضداستعماری معرفی می‌کند.

متن زیر از رمان دو منظره را به‌درستی نشان می‌دهد که استعمارستیزی و تلاش برای بیدارسازی مردم، در مرکز روایت قرار دارد. نویسنده با استفاده از زبان نمادین و تمثیلی، سایه قدرت‌های خارجی و ساختارهای ناعادلانه را بر جامعه ترسیم می‌کند و از طریق گفت‌وگوهای چندلایه شخصیت‌ها، به موضوعاتی چون بی‌عدالتی، ستم و پیامدهای استعمار می‌پردازد. این نوع روایت سبب می‌شود که خواننده نه تنها با تحولات اجتماعی و سیاسی آشنا شده بلکه ضرورت مقاومت جمعی و آگاهی سیاسی را نیز بهتر درک کند.

- سرهنگ معزّ غرید: «قضات که قصاب نیستند، مجری قانون‌اند... فریده: باید بفهمم این چطور قانونی است، اصلاً چرا می‌کشند؟» با انزجار گوشهٔ چپ لب را بالا کشید.
«چرا می‌کشند؟ چون خائن و جاسوس‌اند، برنامه چیده بودند این کشور را دودستی تحویل بیگانگان بدهند. دلم می‌خواست بدانم خاله رفعت بد ادای تو راضی می‌شد گرگ درنده نگاه دارد؟»

«حرف‌های مفت! خاله رفعت حتی تحمل پرنده را هم ندارد، می‌خواهد خانه ساکت باشد، نه مثل ما بدبخت‌ها که بیست و چهار ساعت زیر گوشمان قدقد است؛ یا تخم می‌گذارند- سر خلیفه تخم دوزرده!- یا از دو صبح به بعد یک‌ریز اذان می‌گویند.»

چشم‌های سرهنگ از خشم درخشید: «به این زبان بسته‌ها کم پیله کن، خانم! (با انگشت قفس را نشان داد. دسته‌ای از مرغ‌ها هم صدا قدقد کردند) صحبت گرگ بود، نه مرغ. گرگ را نباید کشت؟» سرهنگ به بحث تربیتی و ضرب‌المثل علاقه داشت. در نوجوانی، گلستان سعدی را به حکم پدرخوانده بود. جابه‌جا، بیت‌هایی از بر داشت، اما در آن لحظه چیزی به خاطرش نیامد.

فریده فکر کرد: «از کجا می‌دانی گرگ‌اند؟»

«پس می‌فرمایید نیستند؟ زن‌ها از این مسائل چیزی نمی‌فهمند.»

فریده صندلی را کمی عقب کشید: «چرا نمی‌فهمند؟ بهتر از همه می‌فهمند.»

سرهنگ معزّ مشتی به پیشانی زد: «از دادگاه نورنبرگ چیزی شنیده‌ای؟»

(چشم‌هایش می‌درخشید) جانی‌های نازی را محاکمه می‌کردند، اسم‌هایشان یادم نیست، خاله‌خانم می‌فرمایند آن اشخاص باید آزاد می‌ماندند؟ خب این زن احمق است.»

سرهنگ مشتی بر میز کوفت: می‌دانی چه کرده بودند؟ آدم سوزانده بودند. حالا فهمیدی؟ پس هر دادگاهی بد نیست، تا هدف چه باشد. نجات کشور از چنگ بیگانگان؟ این طور اگر باشد که هست من با تمام‌قد تعظیم می‌کنم» (علیزاده، ۱۳۹۶: ۱۸۰-۱۷۹).

در این بخش از رمان، گفت‌وگوی میان سرهنگ معزّ و فریده، نموداری از پیچیدگی‌های اخلاقی، روانی و سیاسی جامعه در شرایط جنگ و اقتدارگرایی است. سرهنگ معزّ با استعارهٔ «گرگ» و «مرغ»، نگرشی اقتدارگرایانه به امنیت را نشان می‌دهد که در آن حفظ نظم

و مقابله با تهدیدات خارجی گاهی بر حقوق انسانی مقدم می‌شود و به‌نوعی توجیه خشونت می‌انجامد. در مقابل، واکنش فریده، نمایانگر حساسیت‌های اخلاقی و انسانی است که خشونت و سرکوب را مردود و عدالت را محور عمل می‌داند. بدین ترتیب، رمان ضمن بازنمایی درگیری‌های اخلاقی و سیاسی، نقد ضمنی بر رویکرد اقتدارگرایانه و اولویت‌دادن امنیت بر عدالت ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که تحقق امنیت پایدار بدون رعایت حقوق انسانی و عدالت اجتماعی امکان‌پذیر نیست. استفاده از تمثیل «گرگ» و «مرغ» و گفت‌وگوی چندلایه شخصیت‌ها، لایه‌های روانی، اخلاقی و اجتماعی مقاومت و تضادهای انسانی را به‌صورت ملموس و نمادین بازتاب می‌دهد.

۲. ملی‌گرایی و دفاع از سرزمین

مفهوم «وطن» در ادبیات فارسی دوران مشروطه بازنمایی‌کننده تحولی اساسی نسبت به دیدگاه‌های گذشته است. در متون پیشین، مردم نقش محدودی در شکل‌دهی به وطن داشتند و مفاهیمی چون «رعیت» و «بنده» بر انفعال آن‌ها دلالت داشت (ر.ک: فرای، ۱۳۷۵: ۲۳؛ صفا، ۱۳۷۶: ۱۹). اما در دوره مشروطه، وطن‌دوستی به‌عنوان مسئولیتی فردی و اجتماعی بازنمایی می‌شود. به‌عنوان نمونه، جمله بهار «یا مرگ یا تجدد و اصلاح» (بهار، ۱۳۸۲: ۲۳۲ به نقل از نیکویخت و زارع، ۱۳۸۵: ۱۳۸) نمایانگر تغییر نگرش و مشارکت فعال مردم در سرنوشت وطن است. با توجه به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی، وطن‌دوستی در ادبیات کلاسیک ایران ریشه دارد؛ اوستا ایرانویج را بهترین سرزمین خلق‌شده توسط خداوند معرفی می‌کند (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۷۶: ۲۳ به نقل از اوستا، ۱۳۷۵: ۱۳۹)، و آیین‌ها و اساطیر کهن ایرانیان، پیوند فرد با سرزمین خود را تأکید می‌کنند (صفا، ۱۳۷۶: ۲۳). ایران با ویژگی‌های جغرافیایی و جمعیتی مشترک تعریف شده است (فرای، ۱۳۷۵: ۲۳؛ صفا، ۱۳۷۶: ۱۹؛ محمودی بختیاری، ۱۳۶۸: ۲۵۱؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۲؛ مسکوب، ۱۳۷۹: ۱۷؛ آجودانی، ۱۳۷۳: ۲۱۰). تحلیل گفتمانی رمان «دو منظره» اثر علیزاده نشان می‌دهد که تکنیک‌های بلاغی و روایتگرانه برای تبلیغ ایدئولوژی ناسیونالیسم و تأکید بر دفاع از سرزمین به‌کار رفته‌اند، و بازنمایی وطن در این متن، مبتنی بر تجربه‌های واقعی و مسئولیت‌های اجتماعی افراد است.

چنین بازنمایی‌ای، برخلاف گفتمان تاریخی گذشته، نقش فعال مردم را در حفظ و آبادانی سرزمین برجسته می‌کند و بازنمایی ملی‌گرایی مدرن را در ادبیات مشروطه ممکن می‌سازد. - «بینی پرویز از تأثر تیغ کشیده بود. باد سختی می‌وزید و دندان‌هایش نرم به هم می‌خورد. کنار او پیرمردی ایستاده بود، کت و شلوار راهدار سرمه‌ای بر تن، بازوی پرویز را گرفت و فشرد، انگشت‌های او می‌لرزید: «بوی آزادی! من این بو را خوب می‌شناسم. در قیام ملی سی تیر شخصاً شرکت داشتم. از بیخ گوشم گلوله گذشت، اما قسمت نشد شهید راه آزادی شوم. (سیگار زری از پاکت درآورد، ته فیلتر را چند بار روی ناخن شست کوبید. تعجب نکن! محال است غیر از جنس ایرانی چیز دیگری مصرف کنم (نوک پا را بالا آورد)، کفش ملی! (دستی به یقه پیراهن کشید) متقال یزد! (کت را عقب زد) کمر بند چرمی تبریز! ای خاک ایران، آباد و آزاد باش! دکتر مصدق پرچم‌های انگلیس را از دکل‌های نفت پایین آورد، پرچم سه رنگ وطن را به جایش گذاشت. روز کودتا خانه‌اش را ویران کردند؛ (سیگار را روشن کرد و پک عمیقی به آن زد؛ دود آبی چشم‌های نمناکش را پوشاند) یک‌بار رفتیم احمدآباد. رختخوابش را به همان شکل در اتاق بالایی نگه‌داشته بودند... وقتی نخست‌وزیر را زندانی کردند، یک هفته از خواب و خوراک افتادم. تبعید از اعدام بدتر است، غربت از زندان سخت‌تر. برو احمدآباد، ببین چقدر دوام می‌آوری. چهارده سال تنهایی! آن‌هم برای کسی که دنیا را سرانگشت‌هایش چرخانده بود، اما بدان (مشتی بر پشت پرویز کوبید، صدای بم و خشدار او زیر سقف ساختمان ناتمام پیچید) شیر هم شیر بود/ گرچه به زنجیر بود/ نبرد بند و قلاده شرف شیر ژیان را. (ابروها را در هم کشید. سر فرو انداخت و نالید) ای شیر پیر مانده به زنجیر!

در سال اول برای عرض تبریک عید عکس‌های او را می‌فرستادیم. اما کم‌کم اوضاع سخت شد. نزدیک به سی سال کسی حق نداشت اسم او را بر زبان بیاورد. پانزده روز بعد از کودتا داشتم از غصه می‌ترکیدم. سوار درشکه شدم. به سورچی گفتم: «برو بیرون از شهر». رسیدیم به یک بیابان. هوا دیگر تاریک بود. رفتم وسط دشت خالی خودم را انداختم روی خاک، از ته جگر داد زدم: «مصدق! مصدق! دکتر محمد مصدق!» احساس می‌کردم زمین و آسمان ایران با من هم‌آواز شده‌اند (پُک زد به سیگار) برو جیب‌های مردم را بگرد! هشتاد

درصد آن‌ها وینستون می‌کشند، (به شور آمد و یقه پرویز را گرفت) کنسرسیوم آمد و نفت را غارت کرد. دکتر مصدق در زندان وقتی این خبر را شنید یک شبانه‌روز اشک ریخت. در زمان او نفت ایران را نمی‌خریدند. دو ابرقدرت، آمریکا و شوروی، باهم تباری کرده بودند. انگلستان هم آتش بیار معرکه بود» (علیزاده، ۱۳۹۶: ۴۶۶).

۱. **سطح توصیفی:** متن با استفاده از زبان تمثیلی و استعاری، گفتمانی ملی‌گرایانه را بازنمایی می‌کند. روایت پیرمرد، با اشاره به شرکت در قیام ملی سی‌ام تیر، کودتا و تبعید مصدق، ضمن ایجاد «اعتبار تجربی» و پیوند عاطفی با مخاطب، هویت ایرانی و تلاش برای استقلال را برجسته می‌سازد. نمادهای فرهنگی و ملی مانند «کفش ملی»، «مقال یزد» و «کمر بند چرمی تبریز» و استعاره «شیر به زنجیر» برای مصدق، مقاومت و شرافت ملی را به تصویر می‌کشند و بر اهمیت دفاع از وطن در برابر سلطه خارجی تأکید می‌کنند. متن با بازنمایی گذشته تاریخی و واکنش شخصیت‌ها، احساس تعلق ملی، انزجار از استعمار و اراده برای حفظ استقلال و آزادی را تقویت می‌کند.

۲. **سطح تفسیر:** در سطح میان‌متنی، روایت با گفتمان‌های تاریخی و سیاسی معاصر هم‌نشین می‌شود و ارزش‌های ملی‌گرایی و دفاع از وطن را بازتولید می‌کند. داستان پیرمرد درباره کودتا، تبعید و دخالت قدرت‌های خارجی در منابع ایران، وقایع تاریخی را در چارچوبی روایت می‌کند که با هویت جمعی، استقلال‌خواهی و مقاومت ملی همسوست. اشاره به مصدق و نقش او در حفظ استقلال نفت ایران، نمادی از دفاع از وطن و شجاعت ملی است و متن را فراتر از روایت فردی، به محصول گفتمانی مرتبط با تاریخ و گفتمان سیاسی معاصر تبدیل می‌کند.

۳. **سطح تبیین:** این بخش از رمان علیزاده بازتابی از فضای ملی‌گرایانه و استعمارستیز ایران میانه قرن بیستم است؛ دوره‌ای که رویدادهایی مانند نهضت ملی‌شدن نفت، قیام ۳۰ تیر، کودتای ۲۸ مرداد، تبعید مصدق و سلطه اقتصادی قدرت‌های خارجی نقش کلیدی در شکل‌گیری حافظه جمعی داشت. شور پیرمرد برای «بوی آزادی» و تأکید او بر مصرف «جنس ایرانی» نماد خوداتکایی اقتصادی و مقاومت فرهنگی است. اشاره به تبعید مصدق و ممنوعیت نام او بازتاب سرکوب سیاسی و حذف حافظه ملی پس از کودتاست؛ باین حال

واکنش عاطفی او نشان می‌دهد که حافظه ملی‌گرایانه در ذهن مردم زنده مانده است. همچنین نقد کنسرسیوم و «غارت نفت» بازنمایی ساختار نابرابر اقتصادی و احساس جمعی خیانت و بی‌عدالتی در آن دوره است.

علیزاده در رمان «خانه ادرسی‌ها» نیز به‌کرأت بر مضامین وطن‌پرستی و دفاع از خاک و ارزش‌های ملی تأکید می‌کند. این اثر به‌عنوان بازنمایی دقیق و همه‌جانبه تجربیات و دغدغه‌های تاریخی و اجتماعی، نقش مهمی در برجسته‌سازی هویت ملی ایفا می‌کند.

- «لقا به من راست بگو! دلت می‌خواست اینجا نبودیم؟ همه چیز را می‌فروختیم، می‌رفتیم به یک کشور امن؟» لقا هاج و واج نگاه کرد: «مثلاً کجا؟» چه می‌دانم، یک جای راحت.» «پیش آدم‌های غریبه؟» «این‌ها غریبه نیستند؟» «چرا، ولی به‌رحال عادت کرده‌ام.» «آنجا هم عادت می‌کردی!» «پس دریچه آبی چی؟ خیابان‌های آشنا. بچه‌هایی که زبان آدم را می‌فهمند. مادر! آن‌ها مرا دوست دارند، خودشان گفتند، گلرخ و گوهر می‌خواهند پیانو یاد بگیرند. شیرین خوب شده، آمده بیرون، من خوبش کردم، گنه‌گنه برایش بردم» (علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۸۶).

در سطح توصیف گفت‌وگوی لقا و راوی، بازنمایی حس تعلق، دل‌بستگی به مکان و ارزش‌های فرهنگی است. لقا و راوی با اشاره به خیابان‌ها، دوستان و فعالیت‌های روزمره مانند آموزش پیانو، پیوندی عاطفی با وطن و محیط زندگی خود برقرار می‌کنند. زبان متن ساده اما بار معنایی عمیق دارد و نشان می‌دهد که حتی در مواجهه با پیشنهاد ترک وطن و مهاجرت به مکان امن، جاذبه‌های فرهنگی، اجتماعی و انسانی وطن بر تصمیم شخصیت‌ها غلبه دارد. این بازنمایی، مفهوم دفاع از وطن را به‌صورت ملموس و انسانی تقویت می‌کند، زیرا شخصیت‌ها امنیت فیزیکی را به حفظ تعلق، فرهنگ و روابط اجتماعی ترجیح می‌دهند. در سطح میان‌متنی (تفسیر)، متن با گفتمان‌های ملی و فرهنگی همسو می‌شود و وفاداری به وطن و مقاومت در برابر ترک آن را مطرح می‌کند. حتی وقتی امکان مهاجرت به کشوری امن مطرح می‌شود، شخصیت‌ها درمی‌یابند که وابستگی به زبان، فرهنگ و جامعه محلی، عامل اصلی پایداری و هویت جمعی است. متن از طریق تجربه‌های روزمره شخصیت‌ها، ارزش دفاع از وطن و حفظ پیوندهای فرهنگی و انسانی را در برابر وسوسه مهاجرت

برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که تعلق به سرزمین و جامعه، عنصری اساسی در هویت ملی است. در سطح کلان (تبیین)، متن بیانگر این مطلب است که دفاع از وطن تنها شامل مواجهه با تهدیدات نظامی یا سلطه خارجی نیست، بلکه حفظ تعلقات فرهنگی، اجتماعی و انسانی در برابر مهاجرت و بیگانگی نیز بخشی از پایداری ملی است. انتخاب شخصیت‌ها برای ماندن در محیط آشنا و مراقبت از کودکان و دوستان، نشان‌دهنده نوعی مسئولیت اجتماعی و تعلق جمعی است که با مفهوم دفاع از وطن پیوند دارد. این روایت به مخاطب یادآوری می‌کند که وفاداری به سرزمین، فرهنگ و جامعه، حتی در شرایط دشوار، بخشی از هویت ایرانی و مقاومت ملی محسوب می‌شود.

- در باغ نباتات خوارزم، ورد سیاه دیده بودم. شب‌نم روی آن بند نمی‌شد. خواستم قلمه بگیرم، گفتند در این آب‌وهوا بر نمی‌دهد. البته هر گیاهی در خاک خودش ریشه می‌گیرد. آدمیزاد هم خصلت نباتی دارد. در غربت تلف می‌شود (علیزاده، ۱۴۰۰: ۳۰۵).

در سطح توصیف، متن با بهره‌گیری از استعاره و تمثیل، پیوند انسان با سرزمین و فرهنگ خود را بازنمایی می‌کند. تصویر ورد سیاه که تنها در خاک خوارزم رشد می‌کند و در غربت تلف می‌شود، بازتابی از تعلق ملی و فرهنگی است. زبان متن ساده اما بار معنایی عمیق دارد و نشان‌دهنده آن است که دوری از وطن و محیط فرهنگی اصلی، رشد فردی و هویت انسانی را مختل می‌کند. مقایسه انسان با گیاه، به‌طور نمادین مفهوم پابندی به وطن و ضرورت دفاع از هویت ملی را تقویت می‌کند و حس تعلق به فرهنگ، سرزمین و محیط‌زیست تاریخی را برجسته می‌سازد.

در سطح میان‌متنی (تفسیر)، متن با گفتمان‌های ملی و فرهنگی همسو می‌شود و ارزش‌های پابندی به وطن و هویت ملی را بازتولید می‌کند. استعاره ورد سیاه نمونه‌ای از فرایند «بازمتن‌سازی» است؛ به این صورت که پیامدهای دوری از وطن در قالب استعاره‌ای طبیعی روایت می‌شوند و اهمیت تعلق فرهنگی و اجتماعی برای رشد فردی برجسته می‌شود. این بازنمایی نشان می‌دهد که زندگی در محیط ناآشنا، حتی اگر شرایط مادی مناسبی فراهم کند، تهدیدی برای هویت و تعلق ملی است. نویسنده بدین شیوه دفاع از وطن و حفظ پیوند با فرهنگ و جامعه را به‌عنوان ارزش بنیادین فردی و جمعی تبیین می‌کند.

در سطح کلان (تبیین) متن بیانگر این نکته است که ملی‌گرایی و دفاع از وطن شامل حفظ پیوند فرهنگی، اجتماعی و روانی با سرزمین مادری نیز می‌شود، نه صرفاً مقابله با تهدیدهای خارجی. همان‌گونه که گیاه تنها در خاک خود رشد می‌کند، انسان نیز برای بالندگی و حفاظت از هویت خود نیازمند محیط فرهنگی و تاریخی‌اش است. این روایت به حافظه جمعی و ارزش‌های اجتماعی ایرانی اشاره دارد و نشان می‌دهد که مقاومت در برابر مهاجرت یا جدایی از وطن، بخشی از دفاع از هویت ملی و حفظ استقلال فرهنگی است. متن علیزاده با ترکیب استعاره‌های طبیعی و تجربه انسانی، مفهوم ملی‌گرایی و ضرورت دفاع از وطن را به صورت ملموس و نمادین تقویت می‌کند.

۳. وحدت و همسازی میان خرده‌فرهنگ‌های متنوع

وحدت یکی از مسائلی است که در جهان اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است و درباره آن دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. تلاش برای نیل به وحدت اسلامی، به‌ویژه در قرن اخیر، توسط اندیشمندانی مانند سید جمال و محمد عبد آغاز شده و همچنان ادامه دارد. این موضوع به‌ویژه در عصر معاصر توجه بسیاری از مسلمانان را به خود جلب کرده است. گاهی اوقات وحدت به معنای ایجاد یک نظام سیاسی - اجتماعی یکپارچه در تمام جهان اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد که معمولاً به آن «پان‌اسلامیسم» گفته می‌شود. این مفهوم ابتدا توسط مخالفان اسلام با هدف نژادی و قومی مطرح شد تا به‌عنوان ابزاری برای تفرقه در میان جوامع اسلامی به کار برود (ر.ک: موثقی، ۱۳۷۵: ۲۷۴ به نقل از جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۶۳). دیدگاه‌ها در خصوص مؤلفه‌ها و عناصر وحدت و همبستگی بسیار متنوع است. بعضی از اندیشمندان، مؤلفه‌هایی مانند ذهنیت و تاریخ مشترک، میراث فرهنگی مشترک، اهداف و دردهای مشترک و دین واحد را از عناصر همبستگی ملی به حساب می‌آورند (ر.ک: تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۶). وحدت اسلامی نه تنها ابزاری برای مبارزه با ظلم و مستکبران است، بلکه عامل مهمی برای رهایی ملت‌ها محسوب می‌شود. امام خمینی (رحمت‌الله) در این راستا می‌فرماید: «اگر وحدت اسلامی برقرار باشد و ملت‌ها به هم بیوندند، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر آنها تسلط یابد» (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۸).

کلیدر کتابی است با ۲۸۳۶ صفحه که به زندگی همه شخصیت‌ها و اقوام می‌پردازد. هرکس به فراخور نام و نشان خود و به اندازه روح بلند و یا حسیض، نگاه دولت‌آبادی را به سمت خود می‌کشاند. «در آغاز رمان، زن جوان زیبا و دلیری به نام مارال برای دیدار پدر و نامزد خویش که در زندان‌اند، به سبزوار می‌آید. بعد شهر را ترک می‌کند و نزد عمه‌اش می‌رود تا با آنها زندگی کند. بلقیس (عمه او) دارای سه پسر به نام‌های خان‌محمد، گل‌محمد و بیگ-محمد و یک دختر به نام شیرو است. شوهر بلقیس، کلمیشی است [و] از اینجا داستان گشایش می‌یابد و شخصیت‌ها و مکان‌ها- در مثالی با اضلاع سبزوار، نیشابور و تربت- حیدریه- در هم بافته می‌شود. شخصیت پررنگ و مطرح در این رمان عبارت‌اند از: «گل-محمد مردی روستایی است که ناخواسته به آشوب تاریخ کشانده می‌شود و همراه آن به سوی پایانی تراژیک می‌رود. او قهرمانی است که سرشت رومانتیک خود را در صحنه مرگ بروز می‌دهد» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۸۷۸). «در مقایسه با گل‌محمد، بیگ‌محمد شخصیتی است آرام، خوش‌قلب و حساس؛ در حالی که در قیاس با گل‌محمد، خان‌محمد سرشتی بدگمان، سنگ‌دل و خشن دارد» (دباشی، ۱۳۷۰: ۱۰۸). «بلقیس شخصیتی که خوب ساخته شده، نیروی تمرکزدهنده و محافظ خانواده است» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۸۷۰). دولت‌آبادی در کلیدر شعاع دید خوانندگان را تا سر حد یک «ایل غریب» در شمال خراسان محدود کرده تا کوره‌راه‌های دفاع از هویت ملی را با وضوح بیشتری نشان دهد. ایل گل محمد کلمیشی از تبار کردان میشکالی‌اند که به روایت فردوسی پیشینه آنان به زمان جمشید، ضحاک و فریدون می‌رسد. این ایل جنگاور در عهد شاه‌عباس صفوی به این منطقه از خراسان کوچ داده شده‌اند.

رمان «کلیدر» با بازنمایی متنوع فرهنگی اقوام بلوچ و کرد، تصویری جامع و چندلایه از تنوع اجتماعی و فرهنگی ایران ارائه می‌دهد. این بازنمایی از طریق شخصیت‌پردازی، گفت‌وگو، رفتارها و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند و هر قوم با ویژگی‌ها و خصایص منحصر به فرد خود، نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت هویت جمعی و تعاملات اجتماعی دارد. ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری اقوام بلوچ، همچون آرامش، صبر و سخت‌کوشی، از طریق صحنه‌هایی که این شخصیت‌ها در برابر دشواری‌ها و بحران‌ها قرار می‌گیرند نشان

داده می‌شود و بیانگر اصالتی است که در مقاومت و پایداری نمود پیدا می‌کند. به موازات آن، صفات قوم‌کرد از قبیل: تندخویی، مقاومت فعال و جسارت، در قالب تعاملات میان شخصیت‌ها و کنش‌های اجتماعی بازنمایی می‌شود و توانمندی‌های گروه‌های اجتماعی را در مواجهه با مشکلات و اختلافات نشان می‌دهد.

تحلیل دقیق این بخش از منظر ادبی نشان می‌دهد که رمان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر انسجام یا وحدت ملی تأکید نمی‌کند؛ بلکه تنوع فرهنگی و ویژگی‌های هویتی اقوام، به‌عنوان بخشی از تجربه زیسته و تاریخی شخصیت‌ها، هویت جمعی و پیچیدگی‌های اجتماعی ایران را بازتاب می‌دهد. از این منظر، رمان به‌جای ارائه پیام ایدئولوژیک یا ملی‌گرایانه، بازنمایی تجربه انسانی، فرهنگی و اجتماعی اقوام را به‌عنوان عنصر اصلی روایت و گفتمان خود انتخاب کرده است. بدین ترتیب، تحلیل متن باید بر زبان، ساختار روایت، شخصیت‌ها و تعاملات اجتماعی متمرکز شود تا نحوه بازنمایی تنوع فرهنگی و پیچیدگی هویت جمعی در متن روشن گردد و از هرگونه مصادره به مطلوب یا تحمیل معنایی اجتناب شود.

- بلوچ. بلوچ. مهتاو بلوچ. بلوچ‌ها ذاتاً آدم‌های آرام و کم‌هله‌باشی هستند. خوی شتر را دارند. کم می‌نالند و زیاد بار می‌برند و بسیار راه می‌روند. خود شتر (دولت‌آبادی، ۱۳۷۴: ۲۶).

- اما به هر جهت شما کردها مردم سختی هستید. تندخو هستید، اما سخت هم هستید. صبر و حوصله بلوچ را ندارید، اما تاب سختی را دارید. مثال اسب می‌تازید. گاهی هم درنگ می‌کنید، اما وانمی‌مانید. می‌تازید. مگر از گردنه به میان دره پرتاب شوید و استخوان‌هایتان خورد بشود، و گرنه می‌تازید (دولت‌آبادی، ۱۳۷۴: ۲۷).

در این متن، بازنمایی ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری بلوچ‌ها و کردها نشان‌دهنده اهمیت تاب‌آوری، سخت‌کوشی و خصلت‌های جمعی در شکل‌دهی به هویت قومی است. در سطح توصیف، استفاده از استعاره‌ها و واژگان نمادین مانند «کم می‌نالند و زیاد بار می‌برند» برای بلوچ‌ها و «اسب می‌تازید» برای کردها، رفتارها و اخلاقیات جمعی این جوامع را برجسته می‌کند و تصویری ملموس از تفاوت‌های فرهنگی ارائه می‌دهد. در سطح تفسیر، این

بازنمایی‌ها از طریق تجربه‌های تاریخی و اجتماعی، معنا و هویت گروهی را در چارچوب گفتمان فرهنگی و محلی بازتولید می‌کنند و نشان می‌دهند که رفتارها افراد با محیط و شرایط تاریخی- اجتماعی همخوانی دارد. در سطح تبیین متن نشان می‌دهد که این خصلت‌ها نه تنها ویژگی‌های فردی، بلکه بخشی از سرمایه نمادین، حافظه جمعی و هویت فرهنگی جوامع محسوب می‌شوند؛ تاب‌آوری، سختی‌پذیری و مقاومت در برابر دشواری‌ها، عنصر بنیادین پایداری اجتماعی و فرهنگی این گروه‌ها و عامل مهمی در تثبیت هویت قومی در برابر چالش‌ها و فشارهای محیطی است.

- دروازه‌بان پیر، خواب آشفته و بیزار، با دشنامی زیر دندان، در بر سوار گشود.

شما کردها! شما کردها! امان، امان. روز و شب نمی‌شناسید! (دولت‌آبادی، ۱۳۷۴: ۳۰).

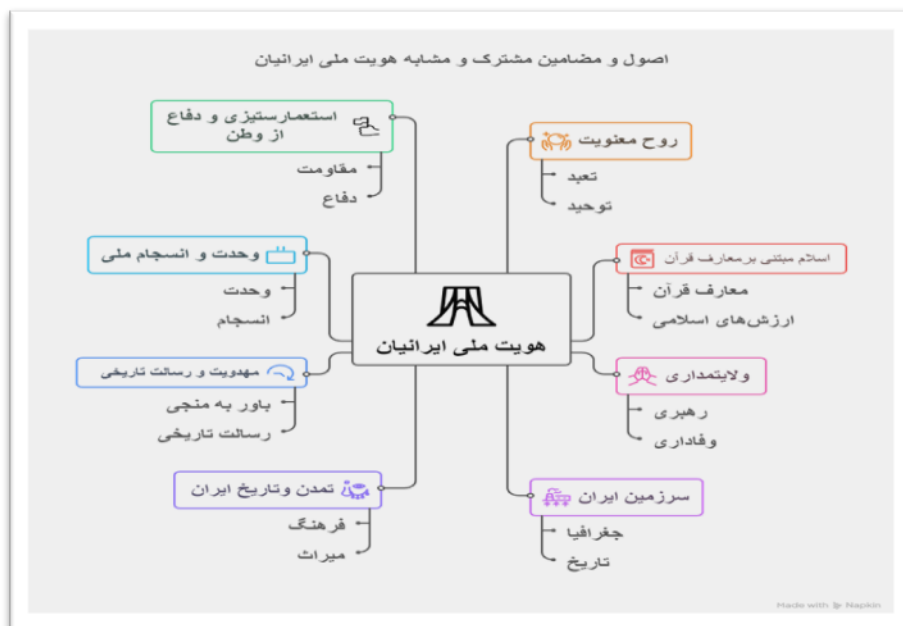
- خودی هم اگر حساب نکنید، من مهمان شمایم. تا حالا میان ما کردها رسم این نبوده که این جور زهر به نان میهمان بپاشیم! (دولت‌آبادی، ۱۳۷۴: ۳۳۸).

دولت‌آبادی در این مثال با استفاده از زبان توصیفی، رفتار و نگرش شخصیت‌ها نسبت به گروه‌های قومی را بازنمایی می‌کند؛ واکنش دروازه‌بان پیر حس بیزاری و اضطراب او نسبت به کردها را نشان می‌دهد، در حالی که پاسخ شخصیت دیگر بر مهمان‌نوازی و هنجارهای جمعی کردها تأکید دارد. در سطح تبیین متن نشان می‌دهد که هویت قومی و رفتارهای گروهی بخشی از سرمایه نمادین و حافظه جمعی هستند و رعایت هنجارهای اخلاقی و تعامل میان گروه‌ها نقش مهمی در تثبیت هویت فرهنگی و انسجام اجتماعی دارد، به طوری که تفاوت‌های رفتاری می‌توانند منبع تنش و از طرفی منبع هویت جمعی باشند.

- اهل خراسان مردم کرد بسیار دیده‌اند. بسا که این دو قوم با یکدیگر در برخورد بوده‌اند؛ خوشایند و ناخوشایند. - اسم ندارند؟ اسم‌هاشان چیست؟ - دلاور و عبدوس. بابایم نامش عبدوسه، نومزدم دلاوره. - فهمیدم کی‌ها را می‌گویی. از کردهای توپکالی! - نه برادر، از کردهای میشکالی. از دهنه شور. دوره‌های سرچشمه (دولت‌آبادی، ۱۳۷۴: ۲-۳).

دولت‌آبادی در این اپیزود با استفاده از گفت‌وگو و معرفی گروه‌های کرد توپکالی و میشکالی و نام‌های شخصی مانند «دلاور» و «عبدوس»، تنوع فرهنگی و هویتی خرده‌فرهنگ‌ها را بازنمایی می‌کند و درعین حال زمینه تعامل و اشتراک فرهنگی میان آنها را

نشان می‌دهد. این گفتمان، تأکید می‌کند خرده‌فرهنگ‌ها با وجود تفاوت‌های ظاهری، در زندگی روزمره و تعاملات جمعی امکان هم‌سازی و وحدت دارند. بدین ترتیب، دولت‌آبادی در این روایت ضمن احترام به تفاوت‌ها، مفهوم وحدت فرهنگی و هم‌سازی میان گروه‌های قومی و خرده‌فرهنگ‌ها را به صورت نمادین و واقعی برجسته می‌کند.



نمودار ۱.

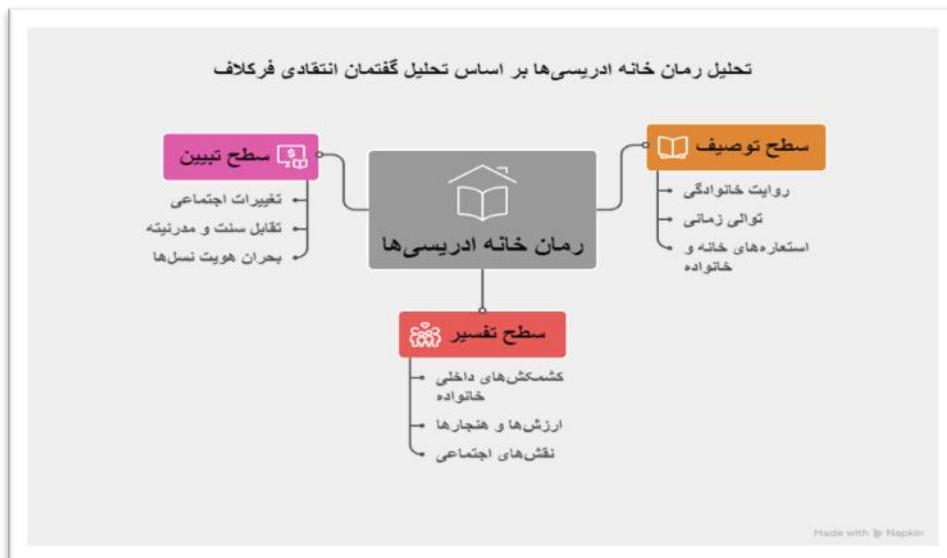
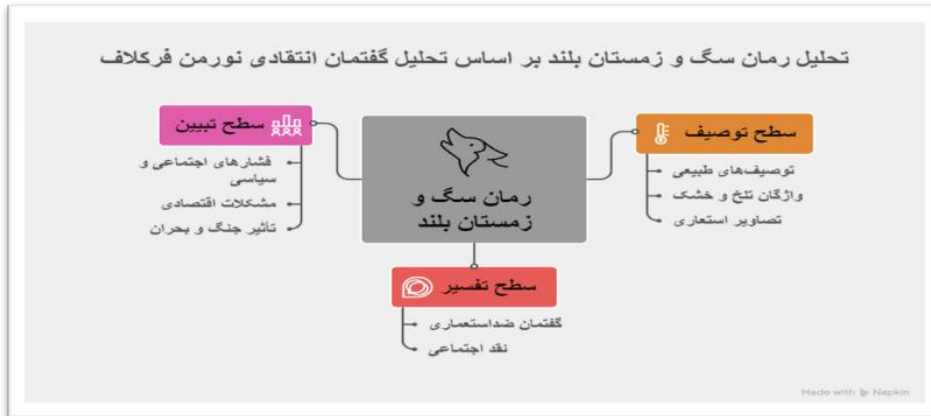
مضامین مشترک در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان با قانون اساسی و سند چشم‌انداز

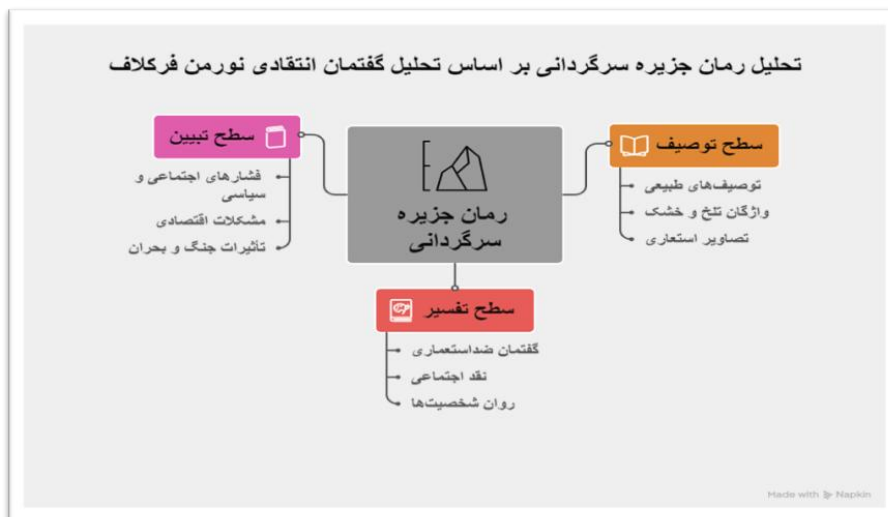
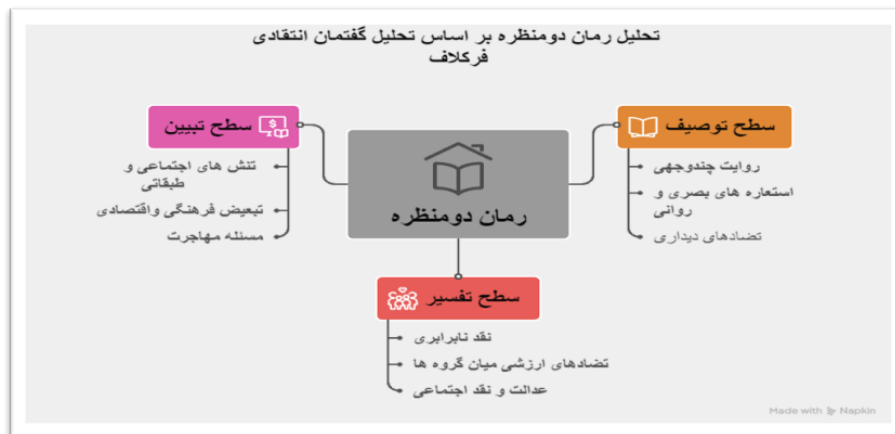
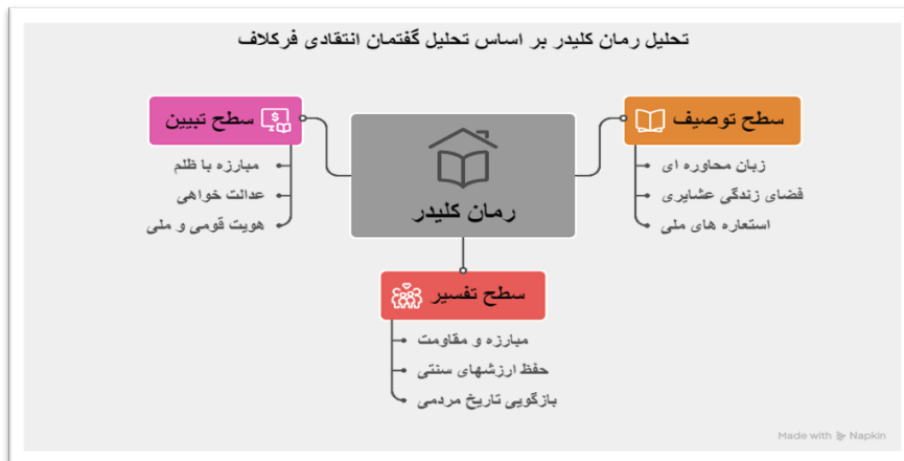
(کریمی مله، ۱۳۹۷:۵۲۷)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی و چارچوب سه‌سطحی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان در منتخبی از رمان‌های پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های هویتی نه تنها به صورت چندلایه و متغیر در متون حضور دارند، بلکه نحوه بازنمایی آنها بازتابی از جهان‌بینی نویسنده، موقعیت گفتمانی زمان تولید اثر و کارکرد عناصر روایی مانند زاویه دید، شخصیت‌پردازی و تعامل صداها می‌باشد. با این حال، مهم‌ترین دستاورد تحلیل فراتر از تشریح صرف عناصر هویتی است و بر کارکرد گفتمانی و انتقادی رمان‌ها در بازتولید، بازتعریف و نقد هویت ملی تأکید دارد.

تحلیل دقیق سطح واژگان، استعاره‌ها، ساختار چندصدایی و تعارضات درون‌روایی اشاره داد که بسیاری از رمان‌ها نه صرفاً بازتولیدکننده هویت مسلط، بلکه عرصه‌ای برای نقد و بازتعریف گفتمان‌های هویتی هستند. از این منظر، برخی از رمان‌های پس از انقلاب عملکردی انتقادی دارند و امکان افشای تضادها، تناقض‌ها و فشارهای ساختاری اجتماعی-سیاسی را فراهم می‌کنند. به‌طورکلی، بازنمایی هویت ملی در رمان‌های پس از انقلاب فرآیندی چندصدایی، انتقادی و وابسته به کارکردهای گفتمانی متن است. این مطالعه ضمن ارائه چارچوبی نظام‌مند برای تحلیل بازنمایی هویت، تأکید می‌کند که نگاه انتقادی و افشاگرانه نویسندگان نسبت به اهداف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متن، اساس و محور اصلی تحلیل گفتمان است. به‌عبارت‌دیگر، تحلیل گفتمانی صرفاً محدود به شناسایی عناصر سازنده متن یا طبقه‌بندی مؤلفه‌های هویتی نیست؛ بلکه پژوهشگر باید با حساسیت به روابط قدرت، تضادهای اجتماعی و فرآیندهای ایدئولوژیک که در متن و فرامتن منعکس شده‌اند، به نقد و تبیین بپردازد. این رویکرد امکان می‌دهد که رمان‌ها به‌عنوان فضاهایی چندصدایی و پویا، نه تنها بازتولیدکننده هویت مسلط، بلکه عرصه‌ای برای بازتعریف، چالش و نقد گفتمان‌های هویتی و اجتماعی تحلیل شوند.





کتابنامه

۱. آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی: روشنفکران، تجدد و تجدیدستیزی، تهران، اختران، ۱۳۷۳، چ ۱.
۲. ابوالحسنی، سید رحیم، «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی»، فصلنامه سیاست، س ۳۸، ش ۴، ۱۳۸۷، صص ۲۲-۱.
۳. احمدی، حمید، هویت ملی ایرانی؛ ویژگی‌ها و عوامل پویایی آن، تهران، مؤسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی، ۱۳۸۳.
۴. اسدیپور، عهدیه و احمدی آهنگ، کاظم، «بازنمایی هویت اسلامی- ایرانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۴، ۱۳۹۵، صص ۶۹-۳۳.
۵. ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده) ۱۳۲۰-۱۳۵۷، ج ۱، تهران، قومس، ۱۳۹۰، چ ۱۲.
۶. اکبری، عسگر، «مؤلفه‌های هویت ایرانی- اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۲۱، ش ۳، ۱۳۹۹، صص ۶۳-۴۵.
۷. امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۸. اوستا، گزارش و پژوهش، جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، ۱۳۷۵.
۹. بهار، محمدتقی، تاریخ احزاب سیاسی، به کوشش ملک‌زاده بهار، تهران، نشر فردوس، ۱۳۸۲.
۱۰. پارس‌پور، شهرنوش، سگ و زمستان بلند، تهران، اسپرک، ۱۳۶۹، چ ۲.
۱۱. تاجیک، محمدرضا، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹، چ ۱.
۱۲. جمشیدی، محمدحسین و ایران‌نژاد، ابراهیم، «ویژگی‌های همبستگی و وحدت در اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۲، ۱۳۹۱، صص ۶۱-۸۶.

۱۳. دانشور، سیمین، جزیره سرگردانی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲.
۱۴. دولت‌آبادی، محمود، کلیدر، ج ۱، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴.
۱۵. ذاکر حسین، عبدالرحیم، ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادی‌بخش، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۱۶. زهیری، علیرضا، انقلاب اسلامی و هویت ملی، قم، انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، سخن، ۱۳۸۰.
۱۸. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران تا پایان عهد صفوی، تهران، فردوسی، ۱۳۷۶.
۱۹. علیزاده، غزاله، دو منظره و داستان‌های دیگر، تهران، توس، ۱۳۹۶، چ ۴.
۲۰. علیزاده، غزاله، خانه ادیسی‌ها، تهران، توس، ۱۴۰۰، چ ۵.
۲۱. فرای، ریچارد، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش، ۱۳۷۵.
۲۲. فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای، ۱۳۷۹.
۲۳. کریمی‌مله، علی، «عناصر هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (نمونه‌کاوی سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ش ۲۵، ۱۳۹۷، صص ۲۵۱-۲۸۲.
۲۴. لسترینج، گی، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
۲۵. محمودی بختیاری، علیقلی، زمینه فرهنگ و تمدن ایران؛ نگاهی به عصر اساطیر، تهران، پاژنگ، ۱۳۶۸.
۲۶. مسکوب، شاهرخ، داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع، تهران، فروزان، ۱۳۷۹.

۲۷. مؤتقی، سید احمد، **استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۲۸. میرعابدینی، حسن، **صد سال داستان‌نویسی ایران**، تهران، چشمه، ۱۳۷۷، چ ۵.

۲۹. ورجاوند، پرویز، **پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.

۳۰. ساداتی‌نژاد، حسین، **فرهنگ سیاسی در ایران معاصر**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۰.

۳۱. طیرانی، علی، «بررسی تطبیقی اصول و مبانی جبهه ملی دوم»، **فصلنامه مطالعات تاریخ معاصر ایران**، ۱۴(۳)، ۱۳۸۸، صص ۵۱۰-۴۸۵.

۳۲. نیکویخت، ناصر و زارع، غلامعلی، «انگیزه‌های توجه به ایران باستان در شعر عصر مشروطه»، **پژوهش‌های ادبی**، ش ۱۵، ۱۳۸۶، صص ۱۵۳-۱۳۹.

33. Abrahamian, Ervand, **Iran Between Two Revolutions**, Princeton University Press, 1982.
34. Anderson, Benedict, **Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism**, London, Verso, 1983.
35. Bhabha, Homi K., **The Location of Culture**, Routledge, 1994.
36. Fairclough, Norman, **Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language**, Longman, 1995.
37. Gasiorowski, Mark J., **U.S. Foreign Policy and the Shah: Building a Client State in Iran**, Cornell University Press, 1991.
38. Gellner, Ernest, **Nations and Nationalism**, Oxford, Blackwell, 1983.
39. Hall, Stuart, «Cultural Identity and Diaspora», in Jonathan Rutherford (ed.), **Identity: Community, Culture, Difference**, London, Lawrence & Wishart, 1990.
40. Katouzian, Homa, **The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism, 1926-1979**, Macmillan, 2003.

41. Kinzer, Stephen, **All the Shah's Men: An American Coup and the Roots of Middle East Terror**, John Wiley & Sons, 2003.
42. Smith, Anthony, **National Identity**, London, Penguin Books, 1991.